

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیستِ روز هفتم لائودکیه‌ای — شماره سی‌وشش

Jeff Pippenger

2026-01-27

شماره سی‌وشش

در دوره «هیاهو»، که جیمز وایت از آن به‌عنوان پراکندگی پیروان میلر پس از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ یاد می‌کند، ویلیام میلر در سال ۱۸۴۷ رؤیایی دید و دو سال بعد به خاک سپرده شد.

اگر ویلیام میلر می‌توانست نور پیام سوم را ببیند، بسیاری از اموری که نزد او تیره و رازآلود می‌نمود، بر او روشن می‌گشت. اما برادرانش چنان اظهار محبت و اهتمام عمیقی نسبت به او می‌کردند که می‌پنداشت نمی‌تواند از آنان دل ببرد. دلش به سوی حقیقت گرایش می‌یافت، و آنگاه به برادرانش می‌نگریست؛ آنان با آن مخالفت می‌ورزیدند. آیا می‌توانست از کسانی که در اعلام آمدن عیسی شانه‌به‌شانه با او ایستاده بودند، جدا شود؟ می‌پنداشت که آنان یقیناً او را به گمراهی نخواهند کشاند.

خدا اجازه داد که او زیر قدرت شیطان و تحت سلطه مرگ فرو افتد و او را در قبر از کسانی که پیوسته او را از حقیقت دور می‌کشیدند پنهان ساخت. موسی، آنگاه که در آستانه ورود به سرزمین موعود بود، خطا کرد. به همین‌سان دیدم که ویلیام میلر نیز، چون نزدیک بود به کنعان آسمانی درآید، در این‌که اجازه داد نفوذش در مخالفت با حقیقت به کار رود، خطا کرد. دیگران او را به این خطا کشاندند؛ دیگران باید پاسخگوی آن باشند. اما فرشتگان خاکِ گران‌بهای این خادم خدا را پاس می‌دارند، و او به هنگام صدای شیپور آخر برخواهد خاست.

سکویی استوار

من جماعتی را دیدم که به‌خوبی حراست‌شده و استوار ایستاده بودند و به کسانی که می‌خواستند ایمان تثبیت‌شده جماعت را متزلزل سازند، هیچ تأییدی نمی‌دادند. خدا با رضامندی بر ایشان نظر کرد. سه پله به من نشان داده شد — پیام‌های فرشتگان اول، دوم و سوم. فرشته همراه من گفت: «وای بر آن‌که سنگی یا میخی از این پیام‌ها را بجنابند. فهم راستین این پیام‌ها از اهمیت حیاتی برخوردار است. سرنوشتِ نفوس به نحوه دریافت آن‌ها منوط است.» بار دیگر از میان این پیام‌ها گذرانده شدم و دیدم قوم خدا چگونه تجربه خود را به بهایی گران به‌دست آورده بودند. آن از رهگذر رنج بسیار و نبردی سخت حاصل شده بود. خدا آنان را گام‌به‌گام رهبری کرده بود تا ایشان را بر سکویی استوار و غیرقابل‌تزلزل قرار دهد. افرادی را دیدم که به سکو نزدیک شدند و شالوده آن را وارسی کردند. برخی با شادی بی‌درنگ بر آن پا نهادند. دیگران به خرده‌گیری از شالوده آن آغاز کردند. می‌خواستند اصلاحاتی صورت گیرد، تا آنگاه سکو کامل‌تر و قوم بسیار شادمان‌تر شوند. برخی از سکو پایین آمدند تا آن را بیازمایند و اعلام کردند که به‌غلط پی‌ریزی شده است. اما دیدم که تقریباً همه بر سکو استوار ایستادند و کسانی را که پایین آمده بودند اندرز دادند که از شکایت دست بردارند؛ زیرا خدا معمار اعظم بود و آنان با او به ستیز برخاسته بودند. آنان کار شگرف خدا را که ایشان را به آن سکوی استوار رسانده بود بازگفتند و به اتفاق، چشمان خود را به سوی آسمان برافراشتند و با صدای بلند خدا را تمجید کردند. این امر بر برخی از آنان که شکایت کرده و سکو را ترک کرده بودند اثر گذاشت، و ایشان با چهره‌ای فروتنانه بار دیگر بر آن قدم نهادند. نوشته‌های اولیه، ص ۲۵۸.

آثار شگفت‌انگیز میلر

"کار شگفت‌آور" ویلیام میلر به "بنیاد استوار" انجامید که همان "سکوی محکم و غیرقابل‌تزلزل" بود. "بنیاد" "سکوی غیرقابل‌تزلزل"، و نیز حمله‌ی بعدی بر هر دو، یعنی بر "سکو" و "بنیاد"، که پس از مرگ میلر در سال ۱۸۴۹ مطرح شد، در رؤیای او مشخص شده است.

ویلیام میلر نمادِ میانی ادونتیسیم است.

وی همچنین نماد تاریخ میلریتی از سال ۱۷۹۸ تا ۱۸۶۳ است.

او همچنین نماد تاریخ جنبش میلریتی از سال ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ است.

او همچنین نماد تاریخ سه فرشته از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه است.

او به وسیله دورهٔ چهل‌وشش‌ساله ۱۷۹۸ تا ۱۸۴۴ ممثّل می‌شود.

او به وسیله عدد «۲۲۰» در نسبت با ۲۵۲۰ و ۲۳۰۰ بازنمایی می‌شود.

او به وسیله «هفت زمان» —۲,۵۲۰— بازنمایی می‌شود.

او به وسیله ۲,۳۰۰ بازنمایی می‌شود.

دو خواب نبوکدنصر در باب‌های دوم و چهارم کتاب دانیال، نمونهٔ دو خواب میلر بودند.

دورهٔ ۱۷۹۸ با نبوکدنصر آغاز می‌شود و در سال ۱۸۶۳ با بلشصر پایان می‌یابد.

دورهٔ میان ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه با نبوکدنصر آغاز می‌شود و با بلشاصر پایان می‌یابد.

او، چونان نماد تاریخ میلاریت‌ها، نماد بنیادها نیز هست؛ بنیادهایی که نمایانگر حقایقی‌اند که میان کشفِ آلفای ۲,۵۲۰ و کشفِ امگای ۲,۳۰۰ مکشوف شدند. جیمز وایت، در تفسیر رؤیای ویلیام میلر، تشخیص داد که «کلید» همان روش میلر در مطالعهٔ کتاب مقدس بود. این روش‌شناسی همان «کلید داوود» است که بر شانهٔ میلر نهاده شد، زیرا او نبوت ۲,۳۰۰ ساله را عرضه کرد که با تحقق اشعیا ۲۲:۲۲ در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به پایان رسید.

حقایقی که مهرگشایی آنها از سال ۲۰۲۳ به بعد آغاز شد، همان حقایقی هستند که از پیش در ارائه‌های «جداول حقوق ۹۵» شناسایی شده بودند، و آن حقایق اکنون در چارچوبی نوین از «حقیقت» در حال قرار گرفتن هستند.

فراخوان آن صدا در بیابان در ژوئیهٔ ۲۰۲۳ تصریح کرد که گریستن و ماتم برای کسانی که می‌بایست به سبب اعلان ۱۸ ژوئیهٔ ۲۰۲۰ توبه کنند، ضروری است. آنان که می‌بایست در شمار باکران خردمند باشند، می‌بایست مطابق با دعای دانیال، باب نهم، توبه کنند؛ همان دعای کسانی که در لاویان باب ۲۶ اذعان می‌کنند که پراکنده شده‌اند.

هنگامی که میلر می‌گوید: «در حالی که چنین برای خسران عظیم و مسئولیت خویش می‌گریستم و سوگواری می‌کردم، خدا را به یاد آوردم و با تضرع دعا کردم که برایم مدد بفرستد. بی‌درنگ در گشوده شد و مردی به اتاق درآمد، همان هنگام همهٔ مردم از آن بیرون رفتند؛ و او که برس خاک‌روب در دست داشت، پنجره‌ها را گشود و آغاز کرد به روبیدن خاک و زباله از اتاق.»

آن دری که گشوده شد، دل میلر بود، هنگامی که برای «اعانت» «با تضرع دعا کرد». عیسی، آن شاهد راستین خطاب به لاودیکیه، بر در دل‌ها می‌کوبد و در پی ورود است. وقتی آن در گشوده شد، فرایند

جدایی آغاز گردید. و چون آن در گشوده شد، «روزنه‌ها» نیز گشوده شدند، و آن «روزنه‌ها» همان روزنه‌های آسمان‌اند.

یوحنا در فصل نوزدهم مکاشفه دید که روزنه‌های آسمان گشوده شد، آنگاه که خداوند لشکر اسب‌های سفید خویش را برمی‌انگیخت؛ این امر بلافاصله پس از آن رخ داد که عروس خود را مهیا کرده بود. آن لشکر، همان لشکر حزقیال است که در پاسخ به پیام باد شرقی خشن برپا می‌ایستد. آن لشکر همان کلیسای پیروزمند است که، هنگامی که جداسازی گندم و زوان به انجام می‌رسد، از کلیسای مجاهد به کلیسای پیروزمند تبدیل می‌شود. آن جدایی همچنین به صورت گذار از تجربه لاودکیه‌ای به تجربه فیلادلفیه‌ای بازنمایی شده است. میلر قلب خود را گشود و به شاهد امین و راستین اجازه داد وارد شود، و او، چون گندم و زوان را جدا می‌کرد، بدین‌سان لشکر اسب‌های سفید خویش را به حیات برانگیخت.

در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، مرد جاروی خاک پس از خروج مردم وارد اتاق شد و کار زدودن خاکروبه‌های خطا را آغاز کرد، در عین حال که حقایق کهن لوح‌های حبقوق را در چارچوبی نوین از حقیقت می‌نهاد.

منجی نیامده بود تا آنچه پدران و انبیا گفته بودند کنار بگذارد؛ زیرا او خود از طریق این مردان که نمایندگان او بودند سخن گفته بود. همه حقایق کلام خدا از او سرچشمه می‌گرفتند. اما این جواهر بی‌قیمت در قاب‌هایی نادرست نشانده شده بودند. نور گران‌بهایشان در خدمت خطا قرار گرفته بود. خدا می‌خواست آن‌ها از قاب‌های خطا بیرون آورده شوند و در چارچوب حقیقت جای گیرند. این کار را تنها دستی الهی می‌توانست به انجام برساند. به سبب پیوندش با خطا، حقیقت در خدمت مقصود دشمن خدا و انسان قرار گرفته بود. مسیح آمده بود تا آن را در جایگاهی بگذارد که خدا را جلال دهد و برای نجات بشریت کار کند. اشتیاق اعصار، ۲۸۷.

یکی از نخستین حقایقی که در سال ۲۰۲۴ تعلیم داده شد، تبیین سرخوردگی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بود. خط بر خط روشن شد که نخستین سرخوردگی‌های هر خط اصلاح، ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ را به‌عنوان یک نشان راه اصلی در مثل ده باکره معرفی می‌کنند. موضوع سرخوردگی به «کلید»ی بدل شد برای گشودن حقیقت قدس؛ حال آنکه در سرخوردگی بزرگ ۱۸۴۴، قدس «کلیدی» بود که سرخوردگی را گشود.

مرد جاروب‌به‌دست، که همان شیر سبط یهوداست، در سال ۲۰۲۳ آغاز به برداشتن مهر از پیام فریاد نیمه‌شب کرد. اکنون به آن مقطع در رؤیای میلر رسیده‌ایم که او صندوقچه‌ای بزرگ‌تر را بر میز می‌نهد و حقایقی را در آن می‌افکند که باید ده برابر درخشان‌تر از خورشید بدرخشند. یکی از آن جواهرات، مکاشفه هویت او در روایت نبوی است.

هنگامی که نبوت از مهر گشوده می‌شود، او شیر سبط یهوداست که حقایق کهن را برمی‌گیرد و آنها را در چارچوبی نو از سه مرحله «حقیقت» می‌نشانند. آن چارچوب به واسطه مسیح، به‌عنوان آلفا و امگا، اول و آخر، نگاه داشته می‌شود. به‌عنوان کلمه خدا، او هر عنصر کلام خویش را تدبیر کرد. به‌عنوان پلمونی، او هر جنبه‌ای از ریاضیات را طرح‌ریزی کرد.

آنگاه که پطرس در قیصریه فیلیپی است، در ساعت سوم، مسیح خود را «پلمونی» معرفی می‌کند و بر «فراکتال‌های نبوی» تأکید می‌نهد. یکی از مکاشفات نهایی مسیح به‌عنوان خداوند نبوت، تأکید بر «فراکتال‌های نبوی» است؛ تأکیدی که به‌واسطه پطرس در متی ۱۶:۱۸ نمود می‌یابد و نماد ۱،۶۱۸ است؛ نسبتی که در جهان طبیعی «نسبت طلایی» خوانده می‌شود، اما نزد پلمونی «فراکتال‌های نبوی» نام دارد.

ما تازه شناسایی فرکتال‌های نبوتی موجود در هفته مقدس ۲۷ تا ۳۴ را آغاز کرده‌ایم. پیش از آن که در مسیر خود به سوی کتاب یوئیل بار دیگر بدان بازگردیم، لازم بود تأکید بر فرکتال‌های نبوتی را به

بررسی خود درباره رؤیای میلر بیفزاییم.

دوره‌ای که در آن میلر مردم را به «بیاپید و ببینید» فرا می‌خواند، و مسیح، به‌عنوان مرد برس خاک‌روبی، میلر را به «بیاپید و ببینید» فرا می‌خواند، از ۱۷۹۸ تا قانون یکشنبه امتداد دارد؛ اما در آن تاریخ کلی، یک فراکتال را در بر دارد که عبارت است از دوره‌ی ۱۷۹۸ تا ۱۸۶۳. همچنین فراکتالی دیگر از ۱۱ سپتامبر تا قانون یکشنبه، و دیگری از ۲۰۲۳ تا قانون یکشنبه را در بر دارد.

وقتی میلر در میان غوغا چشمانش را بست، او نمایانگر تاریخ ۱۸۴۹ بود، زمانی که خداوند می‌کوشید کار را به انجام برساند، اما به نتیجه نرسید. او در سال ۲۰۲۳ از مردگان برمی‌خیزد، زیرا او ایلیا است که با موسی در خیابان کشته شد. او در ۱۸۴۹ درگذشت، و سپس در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ بار دیگر درگذشت.

رویای او در سال ۱۸۴۷ اعطا شد، سپس خداوند برای بار دوم دست خویش را بگسترد و نمودار ۱۸۵۰ را منتشر ساخت. هرگاه خداوند در تاریخ آن یکصد و چهل و چهار هزار برای بار دوم دست خویش را بگستراند، میلر از مرگ برانگیخته می‌شود.

مبدأ پراکندگی هر دو، اسرائیل و یهودا، در کتاب اشعیا تبیین شده است.

زیرا سر سوریه دمشق است و سر دمشق رصین؛ و تا شصت و پنج سال دیگر افرایم چنان درهم شکسته خواهد شد که دیگر قومی نباشد. و سر افرایم سامره است و سر سامره پسر رملیا. اگر ایمان نیاورید، یقیناً برقرار نخواهید ماند. اشعیا ۸:۷، ۹.

این نبوت در سال 742 قبل از میلاد اعلان شد، و نوزده سال بعد، در 723 قبل از میلاد، اسرائیل به دست آشوریان پراکنده گردید، و سپس چهل و شش سال بعد یهودا به دست بابل پراکنده گردید. این سه تاریخ نمایانگر دوره‌ای متشکل از نوزده سال و در پی آن چهل و شش سال است. هنگامی که آن دو نبوت به ترتیب در 1798 و 1844 به پایان رسیدند، دوره نوزده ساله آغازین از 742 قبل از میلاد تا 723 قبل از میلاد نوزده سال آلفا بود که نمایانگر نوزده سال امگا از 1844 تا 1863 بود.

میلر پنج سال پس از آغاز نوزده سال امگا درگذشت، و هفت سال بعد، مقالات هیرام اِدسون درباره «هفت زمان»، منتشر شد. هفت سال بعد، «هفت زمان» رد شد. سال ۱۸۵۶ قرار بود مهرزنی‌ای باشد که بر قانون روز یکشنبه ۱۸۶۳ مقدم می‌شد، اما چنین نشد.

فرشته سوم در سال‌های ۱۸۴۴، ۱۸۸۸ و در یازدهم سپتامبر رسید. خواهر وایت تصریح کرد که هنگامی که ساختمان‌های عظیم شهر نیویورک فرو ریزند، سه آیه نخست از باب هجدهم مکاشفه تحقق خواهند یافت.

پس از اینها دیدم که فرشته‌ای دیگر از آسمان فرود آمد که قدرتی عظیم داشت، و زمین از جلال او روشن شد. و او به آواز نیرومند فریاد زد و گفت: بابل عظیم افتاد، افتاد، و مسکن دیوان گردید، و زندان هر روح ناپاک، و قفس هر پرنده ناپاک و مکروه. زیرا همه قوم‌ها از شراب خشم زناکاری او نوشیده‌اند، و پادشاهان زمین با او زنا کرده‌اند، و بازرگانان زمین از فراوانی تجملات او توانگر شده‌اند. و آوازی دیگر از آسمان شنیدم که می‌گفت: ای قوم من، از او بیرون آید تا شریک گناهان او نشوید و از بلاهای او چیزی نیابید؛ زیرا گناهانش تا به آسمان رسیده است، و خدا شرارت‌های او را به یاد آورده است. به همان‌گونه که او به شما جزا داد، شما نیز او را جزا دهید؛ و بر حسب اعمالش دوچندان به او تلافی کنید؛ در جامی که پر کرده است برایش دوچندان پر کنید. به همان اندازه که خود را عظیم ساخت و در ناز و نعمت زیست، همان قدر عذاب و اندوه به او بدهید؛ زیرا در دل خود می‌گوید: من

چون ملکه می‌نشینم و بیوه نیستم و هرگز اندوه نخواهم دید. از این رو بلایای او در یک روز خواهد آمد: مرگ و ماتم و قحطی؛ و او به تمامی با آتش سوخته خواهد شد، زیرا خداوند خدایی که او را داوری می‌کند تواناست. و پادشاهان زمین که با او زنا کردند و در ناز و نعمت با او زیستند، چون دود سوختن او را ببینند، بر او خواهند گریست و نوحه خواهند کرد؛ از بیم عذاب او از دور ایستاده، خواهند گفت: وای، وای بر آن شهر بزرگ بابل، آن شهر مقتدر! زیرا در یک ساعت حکم تو فرارسید. و بازرگانان زمین بر او می‌گیرند و ماتم می‌گیرند، زیرا دیگر کسی کالای ایشان را نمی‌خرد: کالای طلا و نقره و سنگ‌های گرانبها و مروارید، و کتان نازک و ارغوانی و ابریشم و قرمز، و هرگونه چوب تیین، و هرگونه ظرف از عاج، و هرگونه ظرف از نفیس‌ترین چوب‌ها و از برنج و آهن و سنگ مرمر؛ و دارچین و عطرها و مرهم‌ها و کندر، و شراب و روغن و آرد نرم و گندم، و چهارپایان و گوسفندان و اسبان و ارابه‌ها، و غلامان و جان‌های آدمیان. و میوه‌هایی که جانت مشتاقشان بود از تو دور شده است، و هرچه لذیذ و نفیس بود از تو رفته است، و هرگز دیگر آنها را نخواهی یافت. بازرگانان این چیزها که از او توانگر شدند، از بیم عذاب او از دور خواهند ایستاد، گریان و نالان، و خواهند گفت: وای، وای بر آن شهر بزرگ که به کتان نازک و ارغوانی و قرمز آراسته بود و به طلا و سنگ‌های گرانبها و مرواریدها آذین یافته بود! زیرا در یک ساعت چنین ثروت عظیمی نابود شد. و هر ناخدای کشتی و همه همراهان در کشتی‌ها و دریانوردان و هر که از راه دریا تجارت می‌کند، از دور ایستادند، و چون دود سوختن او را دیدند، فریاد برآوردند و گفتند: کدام شهر همانند این شهر بزرگ است! و خاک بر سرهای خود ریختند و فریادزان و گریان می‌گفتند: وای، وای بر آن شهر بزرگ که در آن همه صاحبان کشتی در دریا به سبب گرانمایی او دولت‌مند شدند! زیرا در یک ساعت به ویرانی افتاد. ای آسمان، و ای رسولان و انبیای مقدس، بر او شادی کنید، زیرا خدا انتقام شما را از او گرفت. و فرشته‌ای نیرومند سنگی را مانند سنگ آسیاب بزرگ برگرفت و آن را به دریا افکند و گفت: بدین‌گونه، با شدت، آن شهر بزرگ بابل سرنگون خواهد شد و دیگر هرگز یافت نخواهد شد. و آوای چنگ‌نوازان و نوازندگان و نی‌نوازان شیپورزان دیگر هرگز در تو شنیده نخواهد شد؛ و هیچ صنعتگری، از هر صنعتی که باشد، دیگر در تو یافت نخواهد شد؛ و صدای سنگ آسیاب دیگر هرگز در تو شنیده نخواهد شد؛ و نور چراغ دیگر هرگز در تو نخواهد درخشید؛ و آواز داماد و عروس دیگر هرگز در تو شنیده نخواهد شد؛ زیرا بازرگانان تو بزرگان زمین بودند، زیرا به افسونگری‌هایت همه قوم‌ها فریفته شدند. و در او خون انبیا و مقدسان و همه کسانی که بر زمین کشته شدند یافت شد.

آیه یک—و پس از اینها دیدم که فرشته‌ای دیگر از آسمان فرود آمد، دارای قدرتی عظیم؛ و زمین از جلال او منور گردید.

آیه دوم- و او با صدایی نیرومند به قوت فریاد برآورد و گفت: بابل عظیم افتاد، افتاد، و مسکن شیاطین و زندان هر روح پلید و قفس هر مرغ ناپاک و مکروه گردیده است.

آیه سوم—زیرا همهٔ امت‌ها از شراب غضب زناکاری او نوشیده‌اند، و پادشاهان زمین با او زنا کرده‌اند، و بازرگانان زمین به سبب فراوانی تنعمات او توانگر شده‌اند.

فرشتهٔ نیرومند نخستین با پیغامی در دست خود فرود آمد و به یوحنا فرمان داده شد که برود و آن طومار کوچک را بگیرد و آن را بخورد. آن فرشتهٔ نخست همان کاری را انجام می‌دهد که فرشتهٔ باب

هجدهم مکاشفه، که زمین را با جلال خویش روشن می‌سازد، به انجام می‌رساند. زیرا فرشته نخست آفاست و فرشته سوم امگا، و آغاز همواره فرجام را می‌نمایاند.

«عیسی فرشته‌ای نیرومند را مأمور کرد تا فرود آید و ساکنان زمین را هشدار دهد که برای ظهور دوم او آماده شوند. هنگامی که فرشته حضور عیسی را در آسمان ترک کرد، نوری بسیار درخشان و پر جلال پیشاپیش او می‌رفت. به من گفته شد که مأموریت او این بود که زمین را با جلال خود روشن سازد و انسان را از خشم قریب‌الوقوع خدا برحذر دارد.» نوشته‌های اولیه، ۲۴۵.

فرشته نخستین آیه نخست باب هجدهم مکاشفه است.

و پس از این امور دیدم فرشته‌ای دیگر که از آسمان فرود آمد و قدرتی عظیم داشت؛ و زمین از جلال او منور گردید.

فرشته دوم آیه دو مکاشفه هجده است.

و او با آواز بلند و نیرومند ندا درداد و گفت: بابل عظیم فرو افتاد، فرو افتاد، و مسکن شیاطین گشته است، و زندان هر روح ناپاک، و قفس هر پرنده ناپاک و مکروه.

فرشته سوم آیه سوم مکاشفه یوحنا، باب هجدهم است.

زیرا همه امت‌ها از شراب خشم زناکاری او نوشیده‌اند، و پادشاهان زمین با او زنا کرده‌اند، و بازرگانان زمین از فراوانی لذایذ او توانگر شده‌اند.

همه پادشاهان در هنگام قانون یکشنبه با آن فاحشه زنا می‌ورزند، چنان‌که در آیه سه به‌گونه‌ای نمونه‌وار نشان داده شده است. پیام فرشته دوم این است که بابل سقوط کرده است، و این همان آیه دو است. رسالت فرشته نخست آن بود که زمین را به جلال خویش روشن سازد و آن آیه یک است. آیه یک همان ۹/۱۱ است. آیه دو، فرایند تفکیکی است که از ۹/۱۱ به این سو در میان نوع بشر در جریان بوده است، و آیه سه قانون یکشنبه است. از این رو، ۹/۱۱ پیام فرشته سوم است، و قانون یکشنبه نیز چنین است. ۹/۱۱ هشدار نزدیک شدن قانون یکشنبه است، چنان‌که در سه آیه نخست نشان داده شده است؛ و صدای دیگر آیه چهار، قانون یکشنبه است. صدای نخست مکاشفه هجده هشدار نزدیک شدن قانون یکشنبه است، و آن هشدار در هنگام قانون یکشنبه به واقعیتی زنده بدل می‌شود.

۹/۱۱ تا قانون یکشنبه با دوره «بیا و ببین» الفای رویای میلر تا «بیا و ببین» اومگا تمثیل یافته است. میان ۹/۱۱ و قانون یکشنبه، جواهرات بر میز میلر در مرکز اتاق نهاده می‌شوند، پراکنده و مدفون می‌گردند، و سپس به وسیله مرد جاروی خاک اعاده می‌شوند. آن فرشته‌ای که در سال ۱۸۴۰ با کتابچه‌ای فرود آمد، نخستین و فرشته الفا بود که نمایانگر فرشته‌ای بود که در ۹/۱۱ فرود آمد. آن فرشته در فصل دهم شناسایی می‌شود، آنگاه که به یوحنا گفته می‌شود که کتابچه شیرین خواهد بود، اما به تلخی می‌گردد.

یوحنا نمایانگر جنبش فرشته نخستین بود—جنبشی که پیروان میلر آن را نمایندگی می‌کردند—و همچنین جنبش یکصد و چهل و چهار هزار را به تصویر می‌کشید. پیش و بیش از هر چیز، او ایام آخر را نمایندگی می‌کرد، چنان‌که پیامبران همواره چنین می‌کنند. از این رو، از پیش به او گفته شد که آن کتاب نخست شیرین و سپس تلخ خواهد بود. پیروان میلر این را از پیش نمی‌دانستند، اما یکصد و چهل و چهار هزار می‌باید این را بدانند.

میلر، به منزله پیام‌آور فرشته نخستین، نماد ممتاز کسی است که کتابچه کوچک را خورد. به‌عنوان یک آسیابان، او می‌بایست گندم را از گاه جدا کند، سپس دانه را به آرد بدل سازد، و نانی فراهم آورد که

باید خورده می‌شد. او نان را با نهادن آن در میانه اتاقش و فراخواندن هر که می‌خواست که «بیباید و ببینید»، با دیگران قسمت کرد. اما به‌عنوان نماد کسی که کتاب را از دست فرشته گرفت، میلر، همانند یوحنا، بیش از آنکه به روزهای آغازین فرشته نخستین بپردازد، متوجه روزهای واپسین فرشته سوم است. او در رؤیایش نخست ما را آگاه می‌سازد که پیام خود را به واسطه دستی نادیده دریافت کرده است. فرشته نخستین در مکاشفه ۱۰ کتابچه کوچکی در دست دارد، اما فرشته مکاشفه ۱۸—که امگای الفی ۱۸۴۰ است—کتابی در دست او نمایانده نشده است؛ و همین است آن کتابی که میلر دریافت—کتابی از دستی نادیده. «بیباید و ببینید» میلر ۹/۱۱ است، و «بیباید و ببینید» مردِ جاروی خاک‌روب، قانون یکشنبه است.

میان آلفا و امگای «بیباید و ببینید»، پیام فرشته دوم قرار دارد، زیرا آلفا ۹/۱۱ است که همان آیه یکم از باب هجدهم است، و آیه دوم، فرشته دوم است که در آیه سوم به انجام می‌رسد، که همان قانون یکشنبه و امگای «بیباید و ببینید» است. در رؤیای میلر، فرشته دوم و سقوط بابل به وسیله هفت بار به‌کار رفتن واژه «scatter» نمایانده می‌شود، در حالی که روایت کلی نشان می‌دهد حقیقت به‌وسیله خطا مغلوب می‌گردد.

فرشته نخست و فرشته سوم، همراه با پیامی که باید گرفته و خورده شود، به‌ترتیب در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ و ۹/۱۱ فرود آمدند. این دو تاریخ با آیه نخست باب هجدهم مکاشفه مطابقت دارند.

حقایق بنیادین در ماه مه ۱۸۴۲ منتشر شدند و نمودار پیشگام ۱۸۴۳ به‌عنوان آلفای دو لوح حقوق محسوب می‌شد. در سال ۲۰۱۲ لوح‌های حقوق منتشر شدند، در انطباق با ماه مه ۱۸۴۲.

پیروان میلر نخستین یأس خود را در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ تجربه کردند، به‌منزله پیش‌نمون ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰. در آن مقطع فرشته دوم رسید و آمدنش با آیه دوم باب هجدهم مکاشفه انطباق داشت. آن یأس، نقطه پایان فرشته نخست بود. همان‌جا فرشته دوم رسید و زمان تأخیر در مثل ده باکره آغاز شد. سیر تاریخی فرشته نخست می‌باید به‌طور موازی با سیر تاریخی فرشته دوم جریان یابد، و وقتی چنین به‌کار گرفته شود، ورود فرشته دوم با ورود فرشته نخست در ۱۸۴۰ و ۱۱ سپتامبر منطبق می‌شود.

در ۱۱ سپتامبر، زمانی از تأخیر فرا رسید که نمونه آن در ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ ارائه شده بود. در ۱۱ سپتامبر چهار بادِ اسلام رها شدند و سپس در مهار نگاه داشته شدند. آن چهار بادِ یوحنا همان بادهای خشن اشعیا و همان بادِ شرقی نبوت‌اند، و فرشته مهرزن از مشرق عروج می‌کند. به‌هنگام عروج او، بنا به گفته خواهر وایت، چهار بار فریاد برمی‌آورد: «نگه دارید، نگه دارید، نگه دارید، نگه دارید». زمان تأخیری که با آمدن فرشته دوم آغاز می‌شود، به‌صورت مهار شدن چهار باد تا هنگامی که یکصد و چهل و چهار هزار تن مهور گردند، نمایانده شده است.

پس از نخستین ناکامی، ساموئل اسنو هدایت شد تا پیام فریاد نیمه‌شب را تدوین کند و بدین‌سان، در ژوئیه ۲۰۲۳، نمونه ندایی در بیابان گردید.

در اجتماع اردوگاهی اکستر، جدایی باکره‌ها بر مبنای آزمون روغن، میلیاریتی‌ها را - مطابق با کار فرستاده عهد - پیراست و نیز تطهیر کرد. اجتماع اردوگاهی اکستر نمایانگر مهرکردن بود، زیرا از آن پس کار همچون موجی مدی، یا چون لشکری نیرومند، پیش رفت تا آن‌که فرشته سوم در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فرا رسید. کلید این تاریخ، جدایی است.

فرشته دوم، هرگاه می‌رسد، کاری از سنخ جداسازی انجام می‌دهد؛ همان‌گونه که در ناکامی نخستین انجام داد، که با جدایی ۲۲ اکتبر به پایان رسید. در میانه آن دو جدایی، پیام فرشته دوم اعلام شد. فرشته دوم جدایی‌ای تدریجی است تا رسیدن به آزمون نهایی روغن. آزمون نهایی روغن به آزمون سنگ محک فرشته سوم منتهی می‌شود. آن سنگ محک برای عیسی صلیب بود، و باغ جتسیمانی، به

معنای «باغ عصّارخانهٔ روغن»، بر آزمون سنگ محک صلیب مقدّم بود، و آزمون روغن دوشیزگان بر در بستهٔ ۱۸۴۴ مقدّم بود.

آزمون نهایی، که پس از آن داوری واقع شد، دهمین آزمون اسرائیل باستان بود. سپس مقرر شد که در بیابان بمیرند. خواه در قادش، خواه در جتسیمانی یا در اکستر؛ آزمون نهایی پیش از داوری، آنجا که دو طبقه از یکدیگر جدا می‌شوند، بر آزمونی نهایی پس از سال ۲۰۲۳ دلالت دارد که بر داوری در بستهٔ قانون یکشنبه مقدم است. آن آزمون نهایی، مهر شدن است. آزمون نهایی یا آخر، بر وجود آزمون نخستین دلالت می‌کند.

در سال ۲۰۲۳، زمان تأخیر پایان یافت، هنگامی که شیر سبط یهودا با برداشتن دست خویش، مهر از آن رویا که مقرر بود در تأخیر بماند، برداشت. سپس کار ساموئل اسنو آغاز شد.

اگر دورهٔ فرشتهٔ اول و دوم را به صورت موازی با یکدیگر هم‌تراز کنیم، آن دو معرفّ نزول فرشته‌ای حامل پیامی‌اند که قوم خدا را از رهگذر پاسخ ایشان به فرمان برداشتن و خوردن پیام می‌آزماید. سپس پیام بنیادین در معرض عموم قرار می‌گیرد، تا آن‌گاه که آن پیام بنیادین ناکام می‌شود. آنگاه فرشتهٔ سوم فرا می‌رسد. دورهٔ فرشتهٔ سوم عبارت است از نوزده سالی که نوزده سال امگا از 742 پیش از میلاد تا 723 پیش از میلاد بود.

دورهٔ ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳، و دورهٔ ۷۴۲ پیش از میلاد تا ۷۲۳ پیش از میلاد، با یکدیگر و نیز با دوره‌های فرشتهٔ اول و فرشتهٔ دوم موازی‌اند. آن چهار خط تاریخ نبوی با بازهٔ زمانی از یازدهم سپتامبر تا قانون روز یکشنبه منطبق‌اند. آن پنج خط، تاریخ «بیا و ببین» آلفای میلر و «بیا و ببین» امگای مسیح هستند.

چهار بار هفت

با درک صحیح باب بیست‌وششم کتاب لاویان روشن می‌شود که عبارت «هفت زمان» چهار بار آمده است، و «هفت زمان» نمادی از میلر و پیام اوست. در سال ۱۸۴۲، فهم میلر از «هفت زمان» بر جدول ۱۸۴۳، که به گفتهٔ خواهر وایت «به دست خداوند هدایت شده بود» و «نباید تغییر داده شود»، ثبت شد. هفت سال بعد، میلر در سال ۱۸۴۹ درگذشت، و هفت سال بعد، پیام «هفت زمان» به دست هیرام ادسون به ثبت رسید، و هفت سال بعد، رد شد.

در سال ۱۸۴۲، نخستین لوح حقوق به چاپ رسید.

در سال 1849، پیام‌آور آلفای «هفت مرتبه» بر روی نمودار 1843 درگذشت.

در سال ۱۸۵۶، رسول امگای «هفت زمان» بر روی نمودار ۱۸۵۰ نادیده گرفته می‌شود.

در سال ۱۸۶۳، دو لوح حقوق مردود شناخته شدند و نمودار ۱۸۶۳ منتشر گردید.

در آغاز، نموداری الهی منتشر می‌شود و در پایان، نموداری انسانی منتشر می‌گردد. در میانه، دو فرستاده مشخص می‌گردند، زیرا پیام دوم همواره مضاعف است.

فرشتهٔ نخستین

در سال ۱۸۴۲، نخستین لوح حقوق به چاپ رسید.

فرشتهٔ دوم

در سال ۱۸۴۹ پیام‌آور کهنسال لوح ۱۸۴۳ درگذشت.

در سال ۱۸۵۶، پیام‌آور جدید نمودار ۱۸۵۰ نادیده گرفته شد.

فرشته سوم

در سال ۱۸۶۳ آن پیام رد می‌شود و نمودار ۱۸۶۳ منتشر شد.

دوره‌ای بیست‌ویک‌ساله است که چهار نماد از «هفت زمان» را، با فواصل مساوی هفت‌ساله، بازنمایی می‌کند. پیام آلفا منتشر می‌شود (1842)، فرستاده آلفا می‌میرد (1849)، فرستاده امگا نادیده گرفته می‌شود (1856) و پیام امگا رد می‌شود (1863)، که نمونه‌وار 2012؛ 18 ژوئیه 2020؛ 2023؛ و قانون یکشنبه قریب‌الوقوع است. مرگ میلر در 1849 با 18 ژوئیه 2020 منطبق است. فرستاده و پیام در 2023 احیا شدند. پیام امگا اکنون از مهر گشوده می‌شود و در پی آن قانون یکشنبه 1863 می‌آید.

در جنبش میلریتی، پیام تثبیت شد و سپس پیام‌آور درگذشت. در جنبش موازی، پیام تثبیت شد و سپس پیام مرد. پیام در سال‌های 1856 و 2023 احیا شد. ارتداد عنوان 1863 است، و پیروزی عنوان همتای آن در قانون یکشنبه است. پیش از ارتداد 1863 و پیروزی قانون یکشنبه، گشودن مهر نور امگای سنگ رأس «هفت زمان» 1856 مطرح می‌گردد، چنان‌که از سال 2023 بدین سو چنین بوده است.

در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

ویلیام میلر: ۱۷۸۲-۱۸۴۹

ویلیام: «اراده» و «کلاه‌خود» — «حامی قاطع»، «نگهبان مصمم»، یا «جنگجوی قوی‌اراده».

آسیابان: شخصی که آسیاب را به کار می‌اندازد، به‌ویژه آسیابی که غله را به آرد می‌ساید.

جنگاور قوی‌الاراده

کشاورزی درستکار و صادق‌دل که به تردید در مرجعیت الهی کتاب مقدس کشانده شده بود، اما صادقانه خواهان شناخت حقیقت بود، همان مردی بود که خدا به‌طور خاص او را برگزید تا پیشاهنگ اعلان مجیء ثانی مسیح باشد. همچون بسیاری از مصلحان دیگر، ویلیام میلر در آغاز زندگی با فقر دست‌وپنجه نرم کرد و بدین‌سان درس‌های بزرگ جد و جهد و خودانکاری را آموخت. اعضای خانواده‌ای که او از آن برخاسته بود به روحیه‌ای مستقل و آزادی‌دوست، توان تحمل، و میهن‌دوستی سوزان شناخته می‌شدند؛ خصایصی که در شخصیت خود او نیز برجسته بود. پدرش سروانی در ارتش انقلاب بود، و تنگنای معیشتی سال‌های آغازین زندگی میلر را می‌توان به فداکاری‌هایی که او در کشاکش‌ها و رنج‌های آن دوره پرآشوب متحمل شد، بازگرداند.

او از بنبه‌ای جسمانی استوار برخوردار بود، و حتی در کودکی نیز نشان از نیروی فکری‌ای فراتر از حد معمول می‌داد. هرچه بزرگ‌تر می‌شد، این امر آشکارتر می‌گشت. ذهنش فعال و نیک‌پرورده بود و تشنگی عمیقی برای دانش داشت. با آنکه از مزایای تحصیل دانشگاهی بهره‌مند نشد، عشق به مطالعه و عادت به اندیشه دقیق و نقد موشکافانه، او را به مردی با حسن قضاوت استوار و دیدگاه‌هایی جامع بدل ساخت. وی از سیرتی اخلاقی بی‌خدشه و شهرتی رشک‌برانگیز برخوردار بود و عموماً به سبب درست‌نویسی، صرفه‌جویی و خیرخواهی مورد احترام بود. به پشتوانه انرژی و جد و جهد، در اوان زندگی به کفایتی مالی دست یافت، هرچند عادات مطالعه‌اش همچنان برقرار ماند. مناصب گوناگون کشوری و لشکری را به شایستگی عهده‌دار شد، و راه‌های نیل به ثروت و افتخار در برابرش کاملاً گشوده می‌نمود. نبرد عظیم، 317.

معرفتِ خدا بدون جهدِ فکری و بدون دعای طلبِ حکمت به دست نمی‌آید؛ دعایی که شما را توانا سازد تا گاه را از دانه نابِ حقیقت جدا کنید؛ همان گاهی که انسان‌ها و شیطان با آن تعالیم حقیقت را تحریف کرده‌اند. شیطان و همدستان انسانی او کوشیده‌اند گاه خطا را با گندم حقیقت درآمیزند. ما باید با جدیت در پی گنج پنهان بکاویم و حکمت را از آسمان بطلبیم تا ساخته‌های انسانی را از اوامر الهی جدا سازیم. روح‌القدس جویندهٔ حقایقِ عظیم و گران‌بهایی را که با طرح رستگاری مربوطند، یاری خواهد داد. می‌خواهیم این حقیقت را بر خاطر همگان بنشانیم که خوانش سرسری کتابِ مقدس کافی نیست. ما باید تفحص کنیم، و این مستلزم به‌جا آوردن هر آن چیزی است که کلام اقتضا می‌کند. چنان‌که معدن‌کار با اشتیاق زمین را می‌کاود تا رگه‌های طلا را بیابد، شما نیز باید کلام خدا را بکاوید برای گنج پنهانی که شیطان دیرزمانی است کوشیده آن را از انسان نهان دارد. خداوند می‌فرماید: «اگر کسی بخواهد ارادهٔ او را به‌جا آورد، از تعلیم آگاه خواهد شد.» یوحنا ۷:۱۷، نسخه تجدیدنظرشده.

کلام خدا حقیقت و نور است، و باید چراغی برای پاهای شما باشد تا شما را در هر قدم از راه تا دروازه‌های شهر خدا هدایت کند. از همین‌روست که شیطان چنان تلاش‌های نومیدانه‌ای کرده است تا راهی را که برای فدیة یافتگان خداوند هموار شده است تا در آن بیمایند، مسدود سازد. نباید اندیشه‌های خود را به کتاب مقدس بربید و آراء خود را کانونی بسازید که حقیقت گویا باید پیرامون آن بگردد. باید اندیشه‌های خود را بر آستانهٔ تحقیق وانهد، و با دل‌هایی فروتن و منقاد، با خودی که در مسیح پنهان است، و با دعایی جدانه، حکمت را از خدا بطلبید. باید احساس کنید که لازم است ارادهٔ مکشوفِ خدا را بدانید، زیرا به سعادت شخصی و ابدی شما مربوط است. کتاب مقدس راهنمایی است که به‌واسطهٔ آن می‌توانید طریق حیات جاودان را بشناسید. باید بیش از هر چیز مشتاق باشید که اراده و راه‌های خداوند را بشناسید. نباید با این قصد جست‌وجو کنید که آیاتی از کتاب مقدس بیابید که بتوانید با تأویل آن‌ها نظریه‌های خود را اثبات کنید؛ زیرا کلام خدا تصریح می‌کند که این، پیچاندن کتاب مقدس به زیان و هلاکت خود شماست. باید خود را از هرگونه تعصب تهی سازید، و با روح دعا به تحقیق در کلام خدا بیایید. ریویو اند هرالد، ۱۱ سپتامبر ۱۸۹۴.

ویلیام میلر در پیتسفیلد ماساچوست زاده شد. تحصیلات رسمی وی تنها هجده ماه بود، اما به سبب عادتِ راسخش به خواندن، خودآموزته شد. وی همچنین از همان آغاز به نوشتن پرداخت، شعر می‌سرود و دفتر خاطراتی نگاه می‌داشت. مطالعاتش وی را با نویسندگان بی‌ایمان آشنا ساخت که وی را به سوی دئیسم سوق دادند. در اواخر دهه بیست‌سالگی به مقام قاضی صلح رسید و در جنگ ۱۸۱۲ جنگید. چندین تجربه در جریان این جنگ ذهن وی را به سوی خدای شخصی معطوف ساخت. تا سال ۱۸۱۶ ایمان آورده بود و با جدیت به مطالعه کتاب مقدس پرداخت. وی نوشت: «کتاب مقدس... مایهٔ سرورم شد، و در عیسی دوستی یافتم.»

او تا سال ۱۸۱۸، در مطالعهٔ نبوت‌ها به این نتیجه رسید که عیسی «حدود ۱۸۴۳» بازخواهد گشت. در ۱۸۳۱، پس از حصول یقینی قاطع و هدایت مشیتی برای انجام این کار، آغاز کرد که در محافل کوچک، به‌طور علنی مطالعات خود را در میان بگذارد. پس از دیدار با J. V. Himes، ویراستاری برجسته، در ۱۸۳۹، راه برای وعظ به گروه‌های پرشمار در شهرهای بزرگ گشوده شد. با آن‌که با مخالفت بسیاری روبه‌رو بود، موعظه‌های او و نیز موعظه‌های دیگرانی که پیام ظهور را دریافتند، تأثیری چشمگیر بر جا گذاشت، چندان‌که تا حدود ۱۰۰,۰۰۰ نفر ایمان به بازگشت قریب‌الوقوع مسیح را پذیرفتند. الن هارمون در مارس ۱۸۴۰، در پورتلند، ایالت مین، هنگامی که دوازده‌ساله بود، سخنان او را شنید. او چنین نقل کرد: «آقای میلر نبوت‌ها را با چنان دقتی پی‌گرفت که یقین را در دل‌های شنوندگانش می‌نشاند. بر ادوار زمانی نبوی درنگ می‌کرد و برای استحکام موضع خود براهین بسیاری می‌آورد. سپس فراخوان‌ها و اندازهای جدی و نیرومند او خطاب به کسانی که آماده نبودند، انبوه جمعیت را گویا مسحور خود نگاه می‌داشت.» Life Sketches، ۲۰.